

اقسام قدیس در کلیسای ارتدوکس روسی^۱

عبدمحمد مامیتف*

مترجم: محمد مدبر چهاربرج**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۶]

چکیده

آموزه قدیس و الاهیات شمایی مکمل آن از پررنگ‌ترین مفاهیم الاهیاتی زندگی مؤمنان ارتدوکس روسی است که در گستره وسیعی از حیات فردی تا زندگی جمعی و آیین‌های کلیسایی همراه مؤمنان است. به اعتقاد روس‌ها، قدیسان کسانی هستند که در زندگی به حضرت عیسی تأسی کرده و بسته به وضعیت و موقعیتشان راه مناسب رسیدن به این مقام را یافته‌اند و از این‌رو شایسته تکریم‌اند. مؤمنان روس می‌کوشند با تأسی به حضرت عیسی و یاری طلبیدن از قدیسان راه ورود به کلیسای آسمانی را بیمایند و به خدا تشبه پیدا کنند. از آنجا که هر کس در زندگی موقعیت خاص خود را دارد، راه رسیدن به این مقام نیز می‌تواند گوناگون باشد. ملائک با قداست خلق شده‌اند اما انسان‌ها برای رسیدن به آن باید بکوشند و شایستگی‌شان را اثبات کنند. قدیسان، که واصلان این طریق‌اند، از راه‌های گوناگونی به این مقام رسیده‌اند. این گوناگونی راه‌ها سبب شده است روس‌ها قدیسان را به اقسام مختلفی تقسیم کنند که به تعبیری افاده‌کننده راهی است که فرد قدیس برای رسیدن به این مقام پیموده است. شناخت این راه‌ها و دسته‌بندی قدیسان بر این اساس، که در کلیسای ارتدوکس روس بسیار رایج است، از ضروریات شناخت صحیح این کلیسا است.

کلیدواژه‌ها: قدیس، کلیسای ارتدوکس روسی، اقسام قدیس، قدیسان دیوانه‌مسلك.

۱. مشخصات کتاب‌شناختی اصل این اثر چنین است:

Abdimuhamet Mamytov (2013). "Azizlik Çeşitleri", *Rus Ortodoks Kilisesinde Azizlik*, Ankara Berikan Yayınevi, pp. 166-185.

* استادیار دانشگاه قاضی آنتپ ترکیه.

** پژوهشگر و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادیان ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

kelkneshtin@gmail.com

مقدمه

در کلیسای ارتدوکس روسی برای قدیس شدن و ورود به کلیسای آسمانی از این رهگذر، راه‌های گوناگونی وجود دارد. این گوناگونی راه سبب پیدایش اقسام متفاوت قدیس شده است. تمارا چوماکوا معتقد است گوناگونی اقسام قدیس مسئله‌ای طبیعی است؛ چراکه اقتدا و تأسی به حضرت عیسی بر مسیحیان ضروری است و در این مسئله بسته به موقعیت پیروان راه‌های متفاوتی مقابلشان قرار می‌گیرد (Chumakova, 2007: 44).

عهد جدید نیز با تعبیر «و خدا قرار داد بعضی را در کلیسا: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان، بعد قوأت، پس نعمت‌های شفا دادن و اعانات و تدابیر و اقسام زبان‌ها. آیا همه رسول هستند، یا همه انبیا، یا همه معلمان یا همه قوأت؟» به این مسئله اشاره و بر آن تأکید کرده است (اول قرن‌تین ۱۲: ۲۸-۲۹).

می‌توان گفت این مسئله به نوعی به توانایی‌های متفاوتی بازمی‌گردد که خدا به انسان داده و انسان‌ها بسته به این توانایی‌ها از راه‌های مختلفی برای کسب رضایت و خشنودی او می‌کوشند. قدیسان کسانی هستند که موفق به کسب رضایت و خشنودی خدا شده‌اند. از این رو است که روس‌ها صفت «کسب‌کنندگان رضایت الاهی» (угодники божии) را برای قدیسان به کار می‌برند (Pestov, 2006: 38).

راه رسیدن به قداست و قدیس شدن به تدریج در گذر زمان و در نتیجه اسباب مختلف تاریخی تنوع یافت. روس‌ها معتقدند تا زمانی که مؤمنان وجود دارند، و برای خدمت به دین می‌کوشند گوناگونی راه‌های قدیس شدن افزایش می‌یابد و این مسئله غنا و رنگ خاصی به مسیحیت می‌بخشد (Skurat, 2002: 61).

چنانچه در ادامه اشاره خواهد شد، گاه در ادبیات روس به جای واژه Svyatoy/ Святой به معنای «قدیس»، از صفات گوناگونی استفاده می‌شود. این صفات علاوه بر تضمین معنای قدیس، افاده‌کننده راه رسیدن به این مقام نیز هست.

اقسام قدیس در کلیسای ارتدوکس روس

۱. ملائک

اگرچه در کلیسای ارتدوکس روس ملائک گونه متفاوتی از موجودات‌اند، اما از لحاظ عملکردی می‌توان آنها را در زمره قدیسان دانست. بر این اساس، ملائک در کلیسای آسمانی مقابل عرش الاهی^۱ به همراه قدیسان می‌ایستند و برای انسان‌ها دعا می‌کنند و

برای نجات آنها می‌کوشند.^۲ همچنین، با توجه به اینکه از لحاظ زمانی پیش از قدیسان وارد کلیسای آسمانی شده‌اند، گنجاندن آنها در این دسته مفید فایده خواهد بود.

روس‌ها به وجود ملائک باور دارند و آنها را مخلوقات خاص خدا می‌دانند که به سبب اهتمام به امور انسان‌ها تکریم می‌شوند. از آنجا که عالم متافیزیک پیش از عالم فیزیک خلق شده است، ملائک نیز پیش از انسان خلق شده‌اند.^۳ (Drozdov, 2006: 21). تعداد آنها به مراتب بیش از تعداد انسان‌ها است. مثلاً گفته می‌شود ۹۰۰ گونه ملک وجود دارد. از آنجا که آنها پیش از وجود انسان‌ها قداست را کسب کرده‌اند، از بدو خلقت این جهان در مسائل بسیاری یاریگر انسان‌ها بوده‌اند (Pomazanski, 2002: 114-119).

کلیسای ارتدوکس روس در یک تقسیم‌بندی کلی ملائک را به دو دسته تقسیم می‌کنند که بر اساس آن گروهی از ملائک در دسته ملائک مقرب جای می‌گیرند. همچنین، عطف به کتاب مقدس، ملائک^۴ گونه‌اند که خود بر حسب جایگاه در سه مرتبه قرار می‌گیرند. در این مراتب، ملائکی که در مرتبه نخست قرار دارند به خدا نزدیک‌ترند.

ملائک مرتبه نخست عبارت‌اند از: کروبیان،^۵ سرافیم،^۶ و ملائک چهارچهره.^۷ ملائک مرتبه دوم عبارت‌اند از: سلطنت‌ها (کولسیان ۱: ۱۶)، ریاسات (کولسیان ۱: ۱۶) و قوات (رومیان ۸: ۳۸ و افسسیان ۱: ۲۱). در مرتبه سوم ملائکی قرار گرفته‌اند که بیشتر با انسان‌ها سر و کار دارند و عبارت‌اند از: قدرت‌ها (رومیان ۸: ۳۸ و افسسیان ۱: ۲۱)، میکائیل (مکاشفه ۱: ۷)، و جبرائیل (لوقا ۱: ۲۶) (Pomazanski, 2002: 120).

در این کلیسا نیز همچون دیگر کلیساها تعبیر Angel، به معنای پیام‌رسان و مبشر، برای تکریم ملائک به کار می‌رود؛ چراکه آنها برای رساندن بشارت الهی، که مهم‌ترین مسئله در مسیحیت است، فرستاده شده‌اند. مثلاً جبرائیل مژده حمل حضرت عیسی را به قدیسه مریم داده بود (Alfeev, 2005: 61).

روس‌ها همه ملائک را خوب و بی‌گناه نمی‌دانند، بلکه معتقدند ملائک بد، موسوم به ابلیس، نیز وجود دارند. در اصل ابلیس‌ها نیز موجودات خوبی خلق شده بودند اما بعداً با عصیان به خدا از او دور شدند. از این‌رو تبدیل به ابلیس شدند. ویژگی ابلیس افترازدن و گمراه‌کردن است (Drozdov, 2006: 22). عهد جدید از مجازات آنها به سبب این اعمال بدشان خبر می‌دهد (یهودا ۱: ۶).

ملائک در نجات انسان نیز نقش مهمی دارند. کتاب مقدس تکریم آنان و استمداد از آنها را متذکر می‌شود (ایوب ۱: ۵). مثلاً در عهد عتیق آمده است که حضرت یعقوب

هنگام برکت دادن فرزندان حضرت یوسف، افرائیم و منسی، ملائک را برای مراقبت از آنها خواند (پیدایش ۴۸: ۱۶).

حضرت دانیال آنها را یاری‌کننده انسان‌ها می‌داند (دانیال ۱۰: ۱۳)، چراکه خدا آنها را مراقب و راهنمای انسان‌ها قرار داده است (مزمیر ۹۱: ۱۱-۱۲؛ مزامیر ۳۴: ۷؛ پیدایش ۲۳: ۲۰-۲۱). کروبیان با خروج حضرت آدم از بهشت، با شمشیرهایی آتشین مأمور مراقبت از بهشت شدند (پیدایش ۳: ۲۴) (Pomazanski, 2002: 113).

از این‌رو است که در کلیسای ارتدوکس روس، صفت مراقب‌بودن برای ملائک بسیار رایج است. علاوه بر این، هر مسیحی یک ملک مراقب دارد (Drozdov, 2006: 21). اگر انسانی ملک مراقب نداشته باشد زندگی تیره‌گونی خواهد داشت (Pomazanski, 2002: 125). حضرت عیسی از وجود ملائک مراقب کودکان نیز خبر داده است. از این‌رو به کوچک‌نشمردن آنان دستور داده است (متی ۱۸: ۱۰).

علاوه بر اینها، کلیسای ارتدوکس روس ملائک را دارای قابلیت‌های بخشی از مشکلات می‌داند. نمونه آن در عهد قدیم، نجات حضرت دانیال از دست شیرها است (دانیال ۶: ۲۳). در عهد جدید نیز می‌توان به مراقبت ملائک از عیسای خردسال، در برابر کسانی که قصد آسیب به وی داشتند، اشاره کرد (متی ۲: ۱۳-۲۰). آنها از حواریون نیز مراقبت می‌کرده‌اند (اعمال رسولان ۵: ۱۹).

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که کلیسای ارتدوکس روس برای ملائک قائل است، راهنمابودن آنها است. عهد قدیم از راهنمایی حضرت موسی از جانب ملائک خبر می‌دهد (خروج ۳۲: ۳۴). آنها ایلیا را به وقت فرار راهنمایی می‌کردند و حتی زمان غذاخوردنش را نیز به وی متذکر می‌شدند (اول پادشاهان ۱۹: ۵-۸). در عهد جدید نیز، آنها بر پطرس رسول ظاهر شدند، وی را بیدار، و تا رهایی از بند راهنمایی کردند (اعمال ۱۲: ۷-۱۱) (Pomazanski, 2002: 114).

تسلابخشی در بلایا و هموم نیز از دیگر ویژگی‌های ملائک انگاشته می‌شود. مثلاً در عهد قدیم ملک تسلابخش حضرت هاجر، به او مژده تولد پسر، و گسترش نسلش می‌دهد (پیدایش ۱۶: ۱۰-۱۱). ملکی که حضرت ابراهیم را از ذبح پسرش بازداشت، مژده قبولی این صدقه را می‌دهد (پیدایش ۲۲: ۱۲-۱۸). در عهد جدید نیز، قدیس پولس با خبری که از ملک دریافت کرده بود، به هم‌سفرانش، در هنگام گرفتاری در طوفان، تسلا بخشید (اعمال ۲۷: ۲۳-۲۴).

افزون بر این، ملائک وظیفه رساندن پیام پروردگار به انسان‌ها را دارند. مثلاً آنها به حضرت زکریا مژده تولد پسرش یحیی را دادند (لوقا ۱: ۱۱-۱۹). جبرئیل با ظهور بر حضرت مریم خبر تولد حضرت عیسی را داد (لوقا ۱: ۲۶-۳۸). همچنین، خبر ولادت حضرت عیسی را به چوپانان داده بودند (لوقا ۲: ۹-۱۵).

زنده‌شدن مجدد حضرت عیسی را دو ملک به انسان‌ها اطلاع داده بودند (لوقا ۲۴: ۴-۷). بازگشت حضرت عیسی از آسمان را نیز دو ملک سفیدپوش اطلاع داده‌اند (اعمال رسولان ۱: ۱۰-۱۱). به عقیده کلیسای ارتدوکس روس، ملائک ویژگی‌های دیگری نیز دارند. مثلاً آنها هنگام توبه گناهکاران خوشحال می‌شوند (لوقا ۱۵: ۱۰). قدیس پولس نیز آنها را ناظر افعال انسان‌ها می‌خواند (اول قرنطیان ۴: ۹).

۲. قدیسان نبی

به عقیده روس‌ها، انبیا قدیمی‌ترین قدیسان‌اند. آنها سلسله انبیا تا حضرت موسی را «نیاکان» (праотцы) می‌نامند. «نیاکان» انسان‌هایی با ایمان راسخ‌اند (Skurat, 2002: 61). همچنین، طلایه‌داران تاریخ نجات در سیر انسانیت به سوی کلیسای آسمانی هستند. در میان این نیاکان قدیس، قدیسان برجسته‌ای چون حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت یعقوب و حضرت یوسف وجود دارند (Jivov, 1994: 78-79).

دسته دوم انبیایی هستند که پس از حضرت موسی تا زمان ظهور حضرت عیسی زیسته‌اند و آمدن حضرت عیسی را بر اساس وحی الهی که دریافت کرده‌اند، بشارت داده‌اند. قدیس ایلیا و قدیس یحیی، که محبوب‌ترین و محترم‌ترین انبیا نزد روس‌ها هستند، در این دسته قرار دارند (Pestov, 2006: 38-39).

قدیس یحیی معمدان، که اصلی‌ترین مبشر ظهور حضرت عیسی بوده است، پس از قدیسه مریم به عنوان بزرگ‌ترین قدیس شناخته می‌شود. چنانچه حضرت عیسی فرمود: «از اولاد زنان، نبی‌ای بزرگ‌تر از یحیی تعمیددهنده نیست» (لوقا ۷: ۲۸). حضور قدیسه مریم و قدیس یحیی در شمایل‌های دعا به حضرت عیسی گواهی بر این مسئله است؛ شمایل‌هایی که در آن قدیسه مریم در سمت راست و قدیس یحیی در سمت چپ حضرت عیسی، خالصانه در حال دعا به درگاه او هستند. به تعبیری، یاور و مادر خدا در حال دعا به درگاه او هستند، که نشانگر میزان نزدیکی قدیس یحیی و قدیسه مریم به خدا و میزان تلاش آنها برای قبولی دعای انسان‌ها است (Skurat, 2002: 68). مسئله دیگری که

به اهمیت و جایگاه رفیع قدیس یحیی می‌افزاید تعمیم حضرت عیسی به دست وی است که به بیانی موجب تولد مجدد حضرت عیسی از روح‌القدس شده است. قدیس یحیی، همچنین، با وقف خویش برای تبشیر حضرت عیسی وفاداری خود را اثبات کرده و به این ترتیب او و قدیسه مریم شرف برتری بر همه موجودات را کسب کرده‌اند (Ibid.: 69).

۳. قدیسان حواری

در کلیسای ارتدوکس روس، حواریون که نخستین ایمان‌آوردگان به حضرت عیسی بوده و در تمام حیاتشان حضرت عیسی و مأموریتش را یاری کرده‌اند، بسیار محترم‌اند. آنها جایگاه والایی دارند و روس‌ها آنها را با صفت «قدیسان جلیل‌القدر» تکریم می‌کنند. اهمیت آنها در این کلیسا به سبب طلایه‌داری عهد جدید دوچندان شده است (Ibid.: 61). علاوه بر این، حضرت عیسی از آنها خواست کلام الهی را [به گوش جهانیان] برساند و از این‌رو اعتبار بسیار به آنها بخشید.

نزول روح‌القدس بر حواریون نقطه عطفی در اهمیت آنها است که سبب شده است پیشوایان کلیسا محسوب شوند (Jivov, 1994: 16). در کلیسای ارتدوکس روس صفاتی چون تربیت انسان‌ها، امتداد نبوت در میان انسان‌ها، دانستن زبان‌ها، خدمت به دین، ایجاد جماعت، معجزه‌داشتن و راهنمایی کردن به‌وفور برای حواریون به کار می‌رود (burenin, 56; Pomazanski, 2002: 256). حواریون در راه گسترش کلیسایی که حضرت عیسی به آنها سپرده بود، جانشان را فدا کردند. از این‌رو یکی از ویژگی‌های کلیسا در اصول ایمانی «حواری» بودن آن است (Pomazanski, 2002: 282-283).

تکریم حواریون یکی از سنگ بناهای آموزه قدیس در کلیسای ارتدوکس روسی است؛ چراکه حضرت عیسی با دعا به درگاه خدای پدر آنها را تقدیس کرده است. به‌علاوه، آنها در عقیده و عمل الگوی سالکان راه نجات‌اند (Jivov, 1994: 18). حضرت عیسی با تعبیر «هر که شما را قبول کند، مرا قبول کرده» (متی ۱۰: ۴۰) آنها را شرف و بزرگی بخشیده است.

اهمیت دیگری که حواریون در این کلیسا دارند، به سبب آغاز آیین‌های نیایش و به‌جای آوردن نخستین مناسک است. تأسیس منصب اسقفی و پی‌ریزی سلسله‌مراتب مقدس کلیسایی نیز منصوب به آنها است (Pomazanski, 2002: 283).

قدیس پطرس و قدیس پولس به سبب نقش پررنگی که داشته‌اند، در میان دوازده

حواری، با عنوان «جلیل القدرترین قدیسان» (Первоверховный) تکریم می‌شوند (Bilinski & et al, 2007: 29).

تکریم حواریون از همان قرون نخست آغاز شده بود. گفته می‌شود روز بزرگداشت قدیسان پطرس و پولس در ۲۵ جولای به حدود سال ۲۵۸ بازمی‌گردد. روزه بزرگداشت این دو قدیس جلیل‌القدر نیز از همان دوران نخست ایجاد شده است. بزرگداشت دوازده حواری در روز ۳۰ جولای در کلیساهای شرقی نیز از قرون پنجم و ششم آغاز شده است (Jivov, 1994: 19).

در ارتباط با این مسئله در کلیسای ارتدوکس روس باید به مقام «قدیسان هم‌طراز حواریون» (Равноапостольные) نیز اشاره کرد. این قدیسان کسانی هستند که علی‌رغم زندگی در دوره‌های متأخر، همچون حواریون خدمات بزرگی داشته‌اند. از میان آنها می‌توان به قدیس ولادیمیر (St. Vladimir, 958-1015) و قدیسه آگنا (St. Olga, 890-969) اشاره کرد که مسیحی‌سازی روس‌ها عمدتاً به آنها منسوب است (Fedotov, 23; Pestov, 2006: 39). قدیس نیکولای اهل ژاپن (St. Nicholas of Japan) که با فعالیت تبلیغی در ژاپن، ریشه‌های آیین ارتدوکس را به ژاپن برده و جماعتی در آنجا تشکیل داده است نیز لایق این عنوان دانسته می‌شود. قدیس امپراتور کنستانتین و قدیسه هلنا نیز در این گروه قرار دارند (Chumakova, 2007: 47).

۴. قدیسان شهید

دوره تکوین آموزه قدیس را باید نخستین دوران شکنجه و آزار مسیحیان دانست. روشن است که کسانی که در راه عقیده‌شان جان داده بودند، نزد مؤمنان جایگاه والایی یافتند. مؤمنان آنها را صاحب اعتقاد حقیقی و از این رهگذر مقرب درگاه الاهی می‌دانستند که به سبب زندگی‌کردن با اندیشه‌های عیسی مسیح و دینی که آورده بود تحت آزار و شکنجه قرار گرفتند و شهید شدند. همچنین، با توجه به اینکه عیسی مسیح رنج کشید و مرد، مردن با رنج به تأسی از او، نزدیک‌ترین راه نجات انگاشته می‌شد (Jivov, 1994: 96). عیسی مسیح از پیش با علم به وقوع آزار و شکنجه برای پیروانش، آنها را از این مسئله آگاه کرده بود.^۷

روس‌ها برای کلمه «شهید» به جای واژه یونانی‌الاصل martyr از واژه Мученик (muchenik) به معنای «بسیار رنج‌کشیده» استفاده می‌کنند. آنها واژه martyr را به معنای

«شاهد» استفاده می‌کند، که در ماجرای شهادت حواریون بر زنده‌شدن حضرت عیسی به کار رفته است (اعمال ۲: ۳۲). همچنین، حضرت عیسی پس از زنده‌شدن، حواریون را شاهدان خود در زمین اعلام کرده بود (اعمال ۱: ۸).

مرگ حضرت عیسی بر صلیب و شهادت حواریون بر این مسئله، در بسط و توسعه آموزه «شهادت» مؤثر بوده است. شهادت حواریون بر این مسئله زمینه‌ساز پیدایش و بسط برخی اندیشه‌ها درباره رنج‌کشیدن در راه دین شده بود. بدین ترتیب مؤمنان در آن دوران، جان‌دادن در راه دین را، همچون عیسی مسیح، تضمین ورود به بهشت می‌دانستند. اوضاع و احوال زمان نیز با افزایش شکنجه و آزار مؤمنان، باعث بسط بیش از پیش این مسئله شد. بدین ترتیب مرگ با شکنجه، تکرار رنجی بود که عیسی کشیده بود و آن حضرت نخستین شهید انگاشته می‌شد. او با خونش به آموزه نجات شهادت داده بود (Jivov, 1994: 58).

در این مسئله باید به قدیس استفانوس، نخستین شهید، نیز اشاره کرد. وی در دادگاه یهودی بر خدای پدر و حضرت عیسی که به دست راست وی ایستاده، شهادت داد و از این رو کشته شد (اعمال ۷: ۵۵-۵۶). بقیه حواریون هم راه حضرت عیسی را ادامه دادند و در این راه به شهادت رسیدند. باور به شهادت پس از حواریون نیز ادامه یافت. این راه تا زمان رهایی مسیحیان از شکنجه و آزار در سال ۳۱۳ عامل پایداری و گسترش مسیحیت بود (Jivov, 1994: 59-60; Skurat, 2002: 61; Dinler Tarihi Ansiklopedisi, 1999: 23-24).

باید توجه داشت که در کلیسای ارتدوکس روس قدیسان شهید نیز با توجه به فعالیت‌ها یا شکنجه و آزارهایی که دیده‌اند، خود به چند دسته تقسیم می‌شوند. قدیسان شهیدی که با شکنجه بسیار کشته شده‌اند با عنوان قدیس «شهید بزرگ» (Великомученик) تکریم می‌شوند. قدیس پانتلیمون (St. Pantaleon) و گیورگی پابدونس (St. George the Victorious) از جمله این شهیدان‌اند.

همچنین، اگر شهید از روحانیان کلیسایی بوده باشد وی را با عنوان قدیس «روحانی شهید» (Священномученик) و اگر شهید راهب بوده باشد وی را با عنوان قدیس «راهب شهید» (Преподобномученик) تکریم می‌کنند (Pestov, 2006: 40). همچنین، اگر فرد مؤمن به دست قاتل یا زورگیر به قتل برسد او را قدیس «شهید مظلوم» (Страстотерпец) می‌خوانند. دو برادر قدیس بوریس و قدیس گلب (St. Boris and Gleb)، که از قدیسان سرآمد روسی‌اند، از این گروه قدیسان هستند (Ibid.).

نخستین قدیسان شهید از کلیسای ارتدوکس روس، اندک‌زمانی پیش از پذیرش

مسیحیت، به عنوان دین رسمی منطقه، پدید آمدند. گفته می‌شود مشرکان اهل کی‌یف در سال ۹۸۳، پدر و پسری را که مسیحی شده بودند کشتند. پس از آن در سال ۱۰۱۵ برادران قدیس بوریس و قدیس گلب شهید شدند. در دوره استیلای مغول نیز مؤمنان بسیاری شهید شدند. امروزه کسانی از کلیسای ارتدوکس روس را، که در دوره شوروی شهید شده‌اند، نیز قدیس می‌خوانند (Jivov, 1994: 67-68).

۵. قدیسان مظلوم

در کلیسای ارتدوکس روس به کسانی که در دوران شکنجه و فشار در راستای تقریر عقایدشان در معرض ظلم و اذیت قرار گرفتند، و از این منظر لایق تکریم‌اند، قدیسان مظلوم گفته می‌شود. قدیسان مظلوم کسانی هستند که مانند قدیسان شهید تحت آزار و شکنجه قرار گرفتند ولی زنده ماندند. مسیحیان اولیه معتقد بودند از این طریق نیز می‌توانند وارد کلیسای آسمانی شده و قدیس خوانده شوند. اساس این عقیده به فرموده عیسی مسیح در عهد جدید استوار است؛ «پس هر که مرا پیش مردم اقرار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را اقرار خواهم کرد. اما هر که مرا پیش مردم انکار نماید، من هم در حضور پدر خود که در آسمان است او را انکار خواهم نمود» (متی ۱۰: ۳۲-۳۳) (Jivov, 1994: 33; Juvenaly, 1999: 37).

گستره «قدیسان مظلوم» (Исповедники) از قرن چهارم بسط یافته و به کسانی که در دوران سختی و در دوره شمایل‌شکنی به عقایدشان پای‌بند بوده و در راستای آن به منازعه برمی‌خاستند نیز اطلاق شد. در کلیسای ارتدوکس روس، قدیس پولس معترف (St. Paul the Confessor)، ماکسیموس معترف (St. Maximus the Confessor) و بازل معترف (St. Basil the Confessor) با این عنوان برجسته شده‌اند (Jivov, 1994: 34-35).

۶. قدیسان راهب

با پذیرش مسیحیت به عنوان دین رسمی امپراتوری روم، رهبانیت نیز قوت گرفت (Tokarev, 2006: 561) و از آن پس اصلی‌ترین راه قدیس‌شدن محسوب شد. به عقیده کلیسای ارتدوکس روس «قدیسان راهب» (Преподобные) به دلیل اعمالی که انجام می‌دهند، بیشتر به خدا تشبه می‌یابند. از آنجایی که خدا انسان را به صورت خویش و مشابه خود آفرید (پیدایش ۱: ۲۶)، قدیسان راهب با رسیدن به شباهت خدا، با تعبیر «بسیار شبیه خداوند» تکریم می‌شوند (Ostrovskaya, 2007: 6).

باید توجه داشت که رهبانیت، برخاسته از مسیحیت نیست، بلکه نمونه‌هایش در یهودیت نیز وجود داشته است. مثلاً اسنیانی که به اصول یهودیت پای‌بند بودند، در اطراف و اکناف فلسطین به شیوه رهبانیت زندگی می‌کردند. آنها انتظار موعود، زهدپیشگی و تجرد را اصل قرار داده بودند. علاوه بر آن، می‌توان به یهودیان نصارا اشاره کرد که تا زمان حضرت عیسی نیز وجود داشته‌اند. آنها یهودیان ارتدوکس را به نابودی دین حضرت موسی متهم می‌کردند. برای آیین‌های توبه و تطهیر اهمیت بسیار قائل بودند و مخالف قربانی‌های خونی بودند (Gündüz, 1998: 15-16).

روس‌ها معتقدند راهبان با اعراض از خوشی‌های دنیا، زندگی زاهدانه را برگزیده‌اند و به پیروی از مشی حضرت عیسی، گذران زندگی با دعا و روزه و ویژگی زندگی آنها شده است (Jivov, 1994: 81). چراکه حضرت عیسی فرموده: «هر که به خاطر اسم من، خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمین‌ها را ترک کرد، صدچندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت» (متی ۱۹: ۲۹).

این راهبان، که گاه با عنوان «انسان‌های خدایی» یاد می‌شوند، توان شهود وقایع پیش از اتفاق را دارند. آنها خطای رهبرانی را که در اشتباه‌اند آشکار، و انسان‌ها را وعظ و نصیحت می‌کنند و به تعبیری برای برقراری تعادل در زندگی اجتماعی نقش حاکم را دارند. از این‌رو حتی در زمان حیات نیز محترم‌اند و تکریم می‌شوند. مثلاً امپراتور ماریسیانوس (Flavius Marcian, 450-475) برای تکریم مقام قدیس راهب واسیان (Преподобный Вассиан Константинопольский) معبدی را در زمان حیات وی تأسیس کرد (Jivov, 1994: 83-85).

به تدریج با گسترش رهبانیت، مراکز بزرگی چون صومعه‌های آتوس ساخته شد و زمینه‌های نظام‌مندی رهبانیت فراهم آمد و رفته‌رفته برای رهبانیت، که راه قداست شناخته می‌شد، قوانین خاصی ایجاد شد. بدین ترتیب راهب با تراشیدن سر در مناسک پذیرش به رهبانیت، از نو متولد می‌شود و با زنده‌شدن در عیسی مسیح مجدداً حیات می‌یابد و وارد راه خداگونگی (تشبه به خدا) می‌شود و تقدس خدایی کسب می‌کند. سنت رهبانیت در کلیسای ارتدوکس روس جایگاه رفیعی داشته و راهبان بسیاری در سرزمین‌های روس پرورش یافته‌اند. راهبان با تأسیس صومعه‌های بسیار در این کشور نقش بسزایی داشته‌اند. از آن میان می‌توان به قدیس آنتونی پچرسکی (Антоній Печёрский/Anthony of Kyiv)، قدیس فتودوسی پچرسکی (Феодосій Печёрский/Theodosius of Kiev) و قدیس سرگئی رادونژسکی (Сéргий Радо́нежский/Sergius of Radonezh) اشاره کرد (Ibid.: 83-85).

پیدایش صومعه‌ها در سرزمین‌های روس را باید در همان سال‌های نخست پذیرش مسیحیت به عنوان دین رسمی جست. به عقیده کلیسای ارتدوکس روس، نخستین راهبی که در سرزمین‌های روس به درجه قدسی نائل آمد و به نوعی پدر رهبانیت روسی محسوب می‌شود، قدیس فئودوسی پچرسکی است. وی بنیان‌گذار رهبانیت انگاشته می‌شود و شاگردان بسیاری تربیت کرده است (Mesheryakova & et al, 2006: 204).

قدیس راهب آنتونی پچرسکی، که استاد قدیس راهب فئودوسی پچرسکی نیز بوده، در سال ۱۰۵۱ سنت رهبانیت آتوسی را به سرزمین‌های روسی آورده و صومعه مهم کیووپچرسکی را، که مدت‌ها مرکز دینی روس‌ها بود، تأسیس کرد. این صومعه برای روس‌ها اهمیت بسزایی دارد و علاوه بر سرویس‌های دینی، به آموزش نیز اهتمام داشت. آثار مهمی در این مرکز تدوین شده، شمایل‌نگاران بسیاری پرورش یافته و کتب بسیاری ترجمه شده‌اند (Pavlovski, 2006: 89). روس‌ها معتقدند سبک زندگی و سنت رهبانی که این دو قدیس پی‌ریزی کردند، در سال‌های سخت حاکمیت مغول، مرجع و یاریگر دینی مردم بوده است. شاگردانشان نیز تا نیمه دوم قرن چهاردهم با تأسیس معابد و صومعه‌هایی در اقصی نقاط روسیه نقش پررنگی در این سرزمین داشته‌اند. صومعه‌ای که قدیس راهب سرگنی رادونژسکی، از تربیت‌یافتگان این سنت و از سرشناس‌ترین راهبان روس، بنا کرد، نقش محوری برای مسیحیت دوره مغول داشت. شاگردان وی نیز در قرون چهارده و پانزده خدمات بزرگی داشته‌اند (Ibid.).

۷. قدیسان روحانی

روس‌ها معتقدند «قدیسان روحانی» (Святители) همواره در طول تاریخ در برابر اندیشه‌های مخالف کلیسا ایستاده و بر تمامیت و یکپارچگی اندیشه‌های ارتدوکسی‌شان اهتمام ورزیده‌اند و در نتیجه قوانین آنها است که راست‌کیشی تا به امروز رسیده است (Korneeva, 2005: 5). از این‌رو برخی پاتریارک‌ها، متروپولیتن‌ها، اسقف‌های اعظم و اسقف‌ها، که فداکارانه به جماعتشان خدمت می‌کنند، با عنوان قدیسان روحانی تکریم می‌شوند. مشهورترین قدیسان روحانی در کلیسای ارتدوکس روس را می‌توان قدیس نیکولاس (St. Nicholas) (قرن ۳-۴ م.)، قدیس باسیل اهل قیصریه (قرن ۴ م.)، قدیس گریگوری اهل نازیانوس (قرن ۴ م.)، قدیس یوحنا زین‌دهان (قرن ۴ م.)، قدیس پطرس (Святители Петр) (قرن ۸ م.)، قدیس آلکسی (St. Alexander) (قرن ۹ م.)، قدیس فیلیپ (St.)

(Philip) (قرن ۱۶ م.)، قدیس گرموگن (St. Germogen Patriarch of Moscow) (قرن ۱۶-۱۷ م.) و قدیس تیخون (St. Tikhon of Zadonsk) (قرن ۱۸ م.) دانست (Pestov, 2006: 39). روس‌ها معتقدند قدیسان روحانی هر یک ویژگی‌های خاصی دارند. مثلاً قدیس نیفون اهل نووگوراد (St. Niphon) (قرن ۱۱ م.)، سیاست و مصلح‌بودن را در خود پرورده بود. وی روابط شاهزادگان روس را، که با هم دشمن بودند، اصلاح کرد و آنها را آشتی داد. قدیس لئوتی اهل روستف (St. Leonti of Rostov) و قدیس اشعیا (قرن ۱۱ م.) نیز به دلیل نشر عهد جدید و آموزه‌هایش در میان بت‌پرستان روستف به درجه قدیسی نائل شدند.^۸ قدیس استفان اهل پرم (St. Stephen of Perm) (قرن ۱۴ م.) نیز در میان قدیسان روحانی جایگاه والایی دارد. وی، که از فرهیختگان دوره خویش بود، توانست با بسط و توسعه زبان زریان (کومی)،^۹ که در آنجا به فعالیت تبشیری مشغول بود، کتب دینی را به آن زبان ترجمه کند (Fedotov, 2004: 148-160).

همچنین، می‌توان به قدیس گوری اهل کازان (St. Gurias of Kazan) (قرن ۱۶ م.) اشاره کرد که در صومعه زیلاتنف (zilantov monastery) که نخستین مدرسه تبشیری روسی در نزدیکی کازان بود به فعالیت تبلیغی مشغول بود. یکی دیگر از قدیسان روحانی، که با فعالیت‌های میسیونری‌اش شناخته می‌شود، قدیس نیکولای اهل ژاپن است. وی به سبب تبلیغ مسیحیت در ژاپن، علی‌رغم مشکلات فراوانی که در این راه داشت، به این جایگاه دست یافته است (Mesheryakova & et al, 2006: 206).

چنانچه پیش‌تر نیز اشاره شد، در دوره فشارهای رژیم شوروی در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۳۰ شمار فراوانی از روحانیان کشته شدند که در میان آنها قدیسان روحانی نیز وجود داشته‌اند. قدیس تیخون، که در سال ۱۹۸۹ به درجه قدیسی نائل آمده و به سبب خدمات بسیارش تکریم می‌شود، در میان این گروه بوده است (Ibid.).

۸. قدیسان حاکم

در کلیسای ارتدوکس روس حاکمانی که به فرمان‌های دینی متعهد بوده و با رأفت و مرحمت به پیشوایی و زعامت برخاسته و به تلاش برای استحکام‌بخشیدن به عقاید مسیحیت شناخته شده‌اند، «قدیس حاکم» (Благоверные) خوانده می‌شوند. این مسئله بر انتخاب‌شدگی حاکمان از سوی خدا برای اداره جامعه، حکومت‌کردن و مراقبت از قوانین، استوار است (Jivov, 1994: 20) که ریشه در آموزه‌های عهد قدیم دارد. مثلاً می‌توان

به انتخاب پادشاهان از سوی خدا در عهد قدیم اشاره کرد که حضرت داود برجسته‌ترین آنها است. عهد قدیم همچنین به پادشاهانی اشاره کرده که فرمان‌های الهی را نادیده گرفته و با بت‌پرستی و بی‌عدالتی، برگزیدگی‌شان را از دست داده‌اند. به طور کلی می‌توان گفت عهد قدیم به جنبه دینی و الهی پادشاهی اشاره داشته است. این گونه از قدیس‌ها پس از پذیرش مسیحیت به عنوان دین رسمی دولت، پدیدار شدند که امپراتور در آن رسماً محافظ کلیسا و عقاید مسیحیت محسوب می‌شد. برخی امپراتورهای بیزانس قدرت دینی را نیز در دست گرفتند و گو اینکه اسقف خارجی آن [اسقفی خارج از مراتب کلیسایی] بودند. آنها شورا تشکیل می‌دادند، در مسائل دینی نظر می‌دادند و گروه‌های بدعت‌گرا را تعقیب می‌کردند (Ibid.: 21). از آنجایی که برخی از آنها اختیاراتشان را در امور بیهوده و منفی استفاده می‌کردند، کلیسا فقط حاکمان عادل و صادق در دین را «قدیس» نامید (Ibid.: 22).

چنانچه اشاره شد، برای قدیس شدن حاکمان، عدالت و تدین شرط است. این مسئله در کلیسای ارتدوکس روس نیز به همین منوال است. از این‌رو برخی حاکمان روس، که به عدالت و تدین شناخته می‌شوند، «قدیس» خوانده می‌شوند (Ibid.: 23). از آن میان می‌توان به قدیس الکساندر نوسکی (St. Alexander Nevsky) و قدیس دمتری دونسکوی (St. Dmitry Donskoy) اشاره کرد (Pestov, 2006: 40). این قدیسان عمدتاً در دوره مغول بوده‌اند (Fedotov, 2004: 90). در کلیسای ارتدوکس روس به آن دسته از قدیسان حاکم که خود را وقف پیشرفت و گسترش مسیحیت کرده‌اند عنوان «هم‌طراز حواریون» داده می‌شود. از نخستین حاکمان قدیس می‌توان به قدیس کنستانتین و مادرش قدیسه هلنا اشاره کرد. از قدیسان حاکمی که در سرزمین‌های روسی زیسته‌اند نیز می‌توان به قدیس ولادیمیر و مادر بزرگش قدیسه الگا اشاره کرد (Juvenaly, 1999: 37).

۹. قدیسان دیوانه‌مسلك

به عقیده کلیسای روس، در دوره بسط رهبانیت در قرن چهارم، گونه دیگری از قدیس‌ها در اسکندریه به وجود آمده بودند که به آنها صفت «دیوانه» اطلاق می‌شد. ریشه‌های این مسلک به مکتوبات قدیس پولس بازمی‌گردد که برخی در راه مسیح دیوانگی برگزیده بودند (اول قرنطیان ۴: ۱۰). روس‌ها معتقدند هستی این قدیسان به طور کامل تسلیم روح شده و آنها بالکل خود را از یاد می‌برند. از این‌رو فقط به خدمت خدا و

انسان‌ها می‌پردازند. گاه این قدیسان «دیوانه‌مسلك» (Юродивые-Блаженные) کارهایی می‌کنند که برای اطرافیان جالب و حتی خنده‌دار می‌نماید. آنها این کارها را بی‌دلیل انجام نمی‌دهند و تک‌تک کارهایشان معنا و هدف دارد (Mesheryakova & et al, 2006: 208).

آنها به جذابیت‌های دنیوی چون ثروت و آسایش بی‌توجه‌اند و در پی آن نیستند. لباس‌های ساده و وصله‌دار می‌پوشند. با تمام توانشان روزه می‌گیرند و از ریا و تظاهر دوری می‌جویند. ارتباطشان با مردم از روی محبتی حقیقی است و الگوی راستی هستند (Talberg, 2007: 188).

قدیمی‌ترین منبع راجع به قدیسان دیوانه‌مسلك مربوط به سال ۳۷۱ م. است. بر این اساس، قدیسه ايسدورا مصری (Isidora the Fool of Egypt) زندگی خود را وقف این راه کرده بود و می‌خواست بی‌ارزش و ناچیز دیده شود. از آنجا که این راه والاترین و سرب‌ترین راه قدیسی است، پس از این دوران قدیسانی که این راه را برگزیده باشند بسیار کم دیده می‌شوند. تا دوره پذیرش مسیحیت در سرزمین‌های روسی قدیسان دیوانه‌مسلك بسیار کم بوده‌اند، که در آن میان می‌توان علاوه بر قدیسه ايسدورا به قدیس سرافیم خشن‌پوش (Serapion Sindonite) و قدیس ویسارئون مصری (Vissarion Egyptian) و قدیس سیمون (Simeon the Holy Fool) اشاره کرد (Juvenaly, 1999: 38-39). نخستین قدیس دیوانه‌مسلك روسی، قدیس اسحاق (St. Isaac Recluse of the Kiev Caves)، راهب صومعه کیووپیچرسکی در سال ۱۰۹۰ دانسته می‌شود. دومین قدیس روسی، که این راه را برگزید، نیز قدیس پروکویی اهل اوستیگ (Procopius of Ustyug) (متوفای ۱۳۰۳ م.) است. مشهور است که وی قبل از انتخاب این راه، به تجارت در شهر نووگراد مشغول بوده است. با علاقه‌مندی به آیین ارتدوکس در صومعه خوتین (Khutyn Monastery) این آیین را پذیرفت و از آن پس با زندگی در این صومعه و بعدتر با راضی‌نشدن از آن، مسلك دیوانگی را برگزید. پس از آن، هنگامی که به شهر اوستیوگ مراجعت کرد، روزها در معرض تمسخر و ناسزا بود و شب‌ها در برابر درب کلیساها خود را به عبادت مشغول می‌کرد. وی طعام خویش را از فقرا می‌گرفت، بخشش ثروتمندان را رد می‌کرد و معتقد بود آنها در راه خطا هستند. کم‌باری و پرباری زراعت سال آینده را می‌دانست. در تابستان و زمستان بدون پناهگاه زندگی می‌کرد. گاه کنار جوی‌ها می‌نشست و حیواناتی را که در آن در حال شنا بودند دعا می‌کرد. [گفته می‌شود] وی با دعایش شهر اوستیوگ را از بلا نجات داده بود (Talberg, 2007: 189).

قدیس نیکولای کوچانف (Nicholas Kochanowski) (متوفای ۱۳۹۲ م.) که به معجزه‌گر

اهالی نووگراد مشهور است، در خانواده‌ای سرشناس و ثروتمند به دنیا آمد. او نیز قید ثروت را زد، سلک دیوانگی در پیش گرفت و به زندگی در معابد و دعا برای گمراهان روی آورد و آنها را به بازگشت به سوی خدا سوق می‌داد. وی اهالی نووگراد را که با هم اختلاف داشتند آشتی داد و وصیت کرده بود پیکرش را جلو در قبرستان دفن کنند تا به این وسیله پیکرش زیر پا باشد (Ibid.).

یکی دیگر از این قدیسان، معجزه‌گر اهالی مسکو، قدیس ماکسیم دیوانه‌مسلک (St. Maxim Fool for Christ of Moscow) است که در دوره حاکمیت مغول در قرن ۱۵ زیسته است. وی با وقف خویش به درگاه خدا از هر گونه نظام زندگی دوری جسته و در خیابان‌های مسکو، در سرما و گرما، به حالت عریان می‌زیسته است. در آن دوران که روسیه به سختی‌ها و فقر و گرسنگی مبتلا بود او با صبر خویش الگویی برای انسان‌ها بوده و با سخنان تند خویش آنها را بیدار می‌کرده است (Poselyanin, 2007: 201).

قدیس ماکسیم دیوانه‌مسلک در سال ۱۴۳۳ درگذشت. به عقیده روس‌ها، خدا برای اینکه او را قدیس اعلام کند، در سال ۱۵۰۶ به واسطه پیکرش به او معجزه عطا کرد و پای فردی که در برابر پیکر او دعا کرده بود، شفا یافت. این دست معجزات وی ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۵۴۷ کلیسای ارتدوکس روس وی را قدیس منطقه‌ای^{۱۰} نامید. در سال ۱۵۶۸ معبدی به نام وی تأسیس شد و پیکر مقدسش در آیین گشایش معبد به این مکان انتقال یافت (Ibid.: 202). قدیس میخائیل کلویسکی (St. Michael of Klopsk) و قدیس واسیلی بلاژنی (St. Basil Fool for Christ) نیز از جمله این قدیسان دیوانه‌مسلک‌اند.

از نیمه دوم قرن شانزدهم شاهد پیدایش کلیساهای مشتمل بر پیکر قدیسان دیوانه‌مسلک و همچنین تأسیس کلیساهایی به نام این قدیسان هستیم. در قرن هجدهم نیز، کسنیا اهل پترزبورگ (St. Xenia of St. Petersburg) زیسته است که مهم‌ترین قدیسه دیوانه‌مسلک روس‌ها محسوب می‌شود و روس‌ها برای وی مقام بسیار والایی قائل‌اند، به گونه‌ای که حرمت وی تا به امروز کاسته نشده و امروزه مزار وی یکی از مهم‌ترین اماکن زیارتی ارتدوکس‌های روس محسوب می‌شود (Juvenaly, 1999: 40).

۱۰. قدیسان بی‌چشم‌داشت

گونه دیگری از قدیسان نیز وجود دارد که روس‌ها آنها را «قدیسان بی‌چشم‌داشت» (Бессребреники) می‌خوانند. این قدیسان کسانی هستند که بدون هیچ چشم‌داشتی به

دیگران کمک می‌کنند. اساس این سبک به واقعه‌ای در عهد جدید بازمی‌گردد (Jivov, 1994: 20) که طبق آن جوانی خواستار پیروی از حضرت عیسی شد و حضرت عیسی به او فرمود: «تو را یک چیز ناقص است: برو و آنچه داری بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی یافت و بیا صلیب را برداشته مرا پیروی کن» (مرقس ۱۰: ۲۲).

مفسران مسیحی معتقدند خدمت بی‌چشم‌داشت در راه خدا نیز راهی برای رسیدن به مقام قدیسی است؛ چراکه بر اساس این آیه در برابر گذشتن از مال دنیا، برای انسان گنجی در آسمان داده می‌شود و گنج آسمانی به تعبیری نمادسازی از نجات و قداست است. از زمره این قدیسان می‌توان به دو برادر قدیس کوزماس و قدیس دمیان (Saints Cosmas and Damian) در قرن سوم اشاره کرد. روس‌ها از همان دوران نخست برای این دو قدیس جایگاه والایی قائل بوده‌اند. گفته می‌شود این برادران قدیس به طبابت مشغول بوده‌اند و در ازای معالجه بیماران هیچ مزدی نمی‌گرفته‌اند و در عوض آنها را به ایمان به حضرت عیسی فرا می‌خوانده‌اند. سرانجام این دو برادر به دلیل شکایت بازداشت شدند. آنها در سالن دادگاه نیز برای معالجه حاضران آزاد بودند اما چیزی نگذشت که با حسادت همکاران بت‌پرست‌شان کشته شدند (Jivov, 1994: 20; Chumakova, 2007: 47).

نتیجه

هدف اصلی زندگی در کلیسای ارتدوکس روس، ورود به کلیسای آسمانی و به تعبیر دقیق‌تر رسیدن به خداگونگی است. انسان‌ها بسته به موقعیت‌های مختلف جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی پیش رو و حتی توانایی‌ها و وضعیت روحی متفاوتشان، راه‌های گوناگونی برای رسیدن به این هدف پیش رو دارند. بررسی سلک قدیسان، که در حقیقت واصلان این مقام‌اند، اصل این گوناگونی راه را اثبات می‌کند و به ما نشان می‌دهد که این قدیسان والا چگونه از این راه‌ها به مقام قدیسی و خداگونگی رسیده‌اند. دسته‌بندی قدیسان به اقسام گوناگون در حقیقت اشاره به راه‌هایی دارد که واصلان این مقام طی کرده‌اند. وجه مشترک این راه‌ها گذشتن از خواسته‌های نفسانی و خدمت به کلیسا و جماعت است. روس‌های ارتدوکس این قدیسان را الگوی خویش دانسته‌اند و با توسل به آنها در کسب رضایت و خشنودی خدا و نهایتاً ورود به کلیسای آسمانی می‌کوشند.

پی‌نوشت‌ها

۱. عهد قدیم گزارش کرده که حزقیال نبی، کرویوان را دیده که چهار صورت و چهار بال داشته‌اند و از نزد خدا دور نمی‌شدند (حزقیال ۱۰: ۱-۲۲). همچنین، اشاره کرده که اشعیا، سرافیم را دیده که هر یک شش بال داشته‌اند. با دو بال صورت، و با دو بال پاهایشان را پوشانده بودند و با دو بال پرواز می‌کردند. در این گزارش به ستایش ایشان از خدا و قدرت بخشایش گناهان که به آنها عطا شده و نیز ظاهر دهشتناکشان اشاره شده است (اشعیا ۶: ۱-۷).
۲. مؤمنان برای دعا به خویشتن به ملائک نیز متوسل می‌شوند و برای آنان مدحیه می‌خوانند (Manuil, 2005: 4).
۳. خدا این مسئله را در عهد قدیم به حضرت ایوب گفته است (ایوب ۳۸: ۶-۷).
۴. «پس آدم را بیرون کرد و به طرف شرقی باغ عدن، کرویوان را مسکن داد و شمشیر آتش‌باری را که به هر سو گردش می‌کرد تا طریق درخت حیات را محافظت کند» (پیدایش ۳: ۲۴).
۵. «و سرافیم بالای آن ایستاده بودند که هر یک از آنها شش بال داشت، و با دو از آنها روی خود را می‌پوشانید و با دو پاهای خود را می‌پوشانید و با دو پرواز می‌نمود» (اشعیا ۶: ۲).
۶. به گزارش عهد قدیم، این ملائک شبیه انسان بوده و بر جانب خدا ایستاده‌اند. هر یک چهار چهره و چهار بال دارند. یکی از آن چهار چهره به انسان، دومی به شیر، سومی به گاو و چهارمی به عقاب شبیه است. پاهای مستقیم و کف پای آنان مانند پای گوساله است. زیر بال‌هایشان نیز دست‌هایی مانند دست انسان دارند. همچنین، هر یک از آن حیوانات را چرخشی است که این چرخ مهیب پر از چشم است (حزقیال ۱: ۵-۱۸).
۷. «خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند، و به خاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند. خوش باشید و شادی عظیم نمایید، زیرا اجر شما در آسمان عظیم است. زیرا که به همین طور بر انبیای قبل از شما جفا می‌رسانیدند» (متی ۵: ۱۱-۱۲).
۸. برای اطلاعات بیشتر درباره این دو قدیس نک.:
Klyuchevski, V. O., Древнерусские Жития Святых Как Исторический Источник, Nauka Pub., Moscow, 1989, pp. 3-22.
۹. کومی‌ها امروزه در داخل مرزهای روسیه و در غرب کوه‌های اورال ساکن‌اند. در گذشته این قوم به نام «زریان» خوانده می‌شدند. سرزمین آنها در سال ۱۹۹۲ به عنوان جمهوری مستقل کومی در فدراسیون روسیه شناخته شد.
۱۰. برای آشنایی بیشتر نک.: مامیتف، عبدمحمد (۱۳۹۸). «جلوه‌های آموزه قدیس در زندگی مؤمنان ارتدوکس روسی»، در: هفت‌آسمان، س ۱۹، ش ۷۶، ص ۴۵-۶۲ (م).

- “Din Uğruna İlk Ölenler” (1999). *Dinler Tarihi Ansiklopedisi*, Vol. II, Istanbul.
- Alfeev, Ilarion (2005). *Tainstvo Veri*, Kiln: Khristianskaya Jizn.
- Bilinski, A. V.; (2007). *Zakon Bozhij*, Petersburg: Satis.
- Burenin, S. B. (2007). *Povedenie v khrame*, Rostov-on-Don: Feniks.
- Chumakova, T. (2007). *Pravoslaviye*, Petersburg: Pietr.
- Drozdov, Filaret (2006). *Katihizis Pravoslavnoy Tserki*, Moscow: Svyato-Troitskaya Sergieva Lavra.
- Fedotov, G. (2004). *Svyatie Drevney Rusi*, Petersburg: Satis.
- Gündüz, Şinasi (1998). *Din ve İnanç Sözlüğü*, Ankara: Vadi.
- Jivov, V. M. (1994). *Svyatost: Kratki Slovar Agiograficheskikh Terminov*, Moscow: Gnozis.
- Juvenaly, P. (1999). “O Kanonizatsi Svyatikh v Russkoy Pravoslavnoy Tserki”, *Kanonizatsiya Svyatikh V XX Veke*, Moscow: Sretenskogo Monastery Pub.
- Korneeva, N. (2005). *Azi Drevnerusskoy Ikonopisi*, Moscow: Yuni Khudozhnik.
- Mesheryakova, V. V.; Sadovskova, I. Y.; and others (2006). *Pravoslavniy Spravochnik v Pomosh Veruyushemu*, Petersburg: VES Pub. Group.
- Molitva Ko Svyatim Nebesnim Silam: Afonski Akafist Bojestvennim Arhangelom Mihailu I Gavriilu* (2005). Minsk: Pravoslavnaya Initsiativa.
- Ostrovskaya, V. N. (2007). *Chudotvornie Obrazi*, Moscow: Dukhovnoe Preobrajenie.
- Pavlovski, V. P. (2006). *Osnovi Religiovedeniya*, Moscow, Yunitidana.
- Pestov, N. E. (2006). *Osnovi Pravoslavnoy Veri*, Kiev.
- Pomazanski, Mihail (2002). *Pravoslavnoe Dogmaticheskoe Bogoslovies*, Moscow: Izdatelski Sovet Russkoy Pravoslavnoy Tserkvi.
- Poselyanin, E. (2007). “Chudo”, *Svyatie Moshi*, Petersburg: Satis.
- Skurat, Konstantin Efimovich (2002). *O Svyatom Pravoslavii*, Moscow: Pro-Press.
- Talberg, N. D. (2007). *Istoriya Ruskoy Tserkvi*, Kiev: Obshestvo Lubitelie Pravoslavnoy literature.
- Tokarev, Sergei Aleksandrovich (2006). *Dünya Halklarının Dinler Tarihi*, Translator. Rauf Aksungur, Istanbul: Ozan Pub.